

ایمان و علم



«امروزه، انسان به کمک علم و فن، تسلطش را تقریباً بر روی همه ی طبیعت گسترده است و دائم وسیع تر می کند [...] کلیسا، نگهبان امانت کلام الاهی [...] می خواهد نور مکاشفه را به تجربیات همه اضافه کند تا راهی که بشریت در پیش گرفته را روشن سازد» (شورای اسقفان واتیکان دوم).

«اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه عالم را بدانم [...] و محبت نداشته باشم، هیچ هستم» (اول قرن نهم تا ۱۳:۲).

آن چه بعضی ها می گویند . . .

* دین مانعی برای علم و پیشرفت است؛ جلوی ترقی مردم را می گیرد.

* ایمان چیز بیهوده ای شده است، چون علوم به زودی قادر می شوند همه ی مشکلات و سوالات را حل کنند.

* غیر ممکن است کسی، در عین حال یک دانشمند واقعی و یک مسیحی ایمان دار باشد.

* بعضی دانشمندان، چنان در تحقیقات خود غرق شده اند که همین برایشان کافی است و به چیز دیگری فکر نمی کنند. در قلبشان، ایمان دیگر جایی ندارد.

* آن چه که انسان ها به واسطه ی علم کشف می کنند، قبلاً خدا آن را به صورت وحی اعلام کرده است.

* علم کم، انسان را از خدا دور می کند، علم زیاد، انسان را به خدا نزدیک می کند (پاستور).

سوال های بزرگ انسان

دنیا از کجا می آید؟

چرا ما زندگی می کنیم؟

چرا شر، چرا درد؟

بعد از مرگ چه هست؟

چگونه در این دنیا بهتر عمل کنیم؟

و خدا کیست؟

این سوالات در قلب انسان پایان ناپذیر هستند.

آن چه مسیحیان می گویند . . .

در این جا، منظور ما از ایمان، ایمان مسیحی است. تاریخ روابط بین ایمان و علم، بسیار پرتلاطم است و قدم به قدم، همراه با همکاری و تفاهم متقابل جلو می رود.

۱- رویکردهای مختلف واقعیت

علم، تلاش انسان برای اکتشاف دنیا و جستجوی چگونگی تشکیل آن است. علم قبل از هر چیز بر عقل متکی است و جدیت و دقت آن از این جا ناشی می شود. امروزه، علم قدم های غول آسا بر می دارد. با وجود این، همیشه به محدودیت هایی برخورد می کند، چون حقیقت، خود را بیشتر و بیشتر پیچیده و دست نیافتنی نشان می دهد. هر چه علم چیزهای بیشتری را می داند، عظمت آن چه را که هنوز نمی داند بیشتر کشف می کند. امروزه، عالم باید بیش از همیشه فروتن و متواضع باشد.

ایمان، اعتمادی است که انسان به خدا دارد تا آن چه که خدا می خواهد از اسرار مرگ و زندگی و معنای نهایی هستی را به عنوان مژده بپذیرد. ایمان، در عین حال که به جدیت و یک پارچگی منطقی احترام می گذارد، قبل از هر چیز، پذیرایی کلام خدا و جواب گفتن به این کلام است. برای مسیحیان، عیسا این کلام زنده است که آمده تا زندگی را عوض کند و معنای جدیدی به هستی بدهد. آن چه که ایمان را به حرکت می آورد در درجه ی اول عقل نیست، بلکه محبت است.

۱- تضادهای ممکن

این تضادها ممکن است از علم ناشی شوند، وقتی که علم، به واسطه ی جدیت اقدامش ادعا دارد بر تمام مقاطع زندگی حکم براند، گویی تنها دانشمند است که می تواند به سوالات بزرگ بشر پاسخ دهد! بدین ترتیب، زندگی روحانی و ایمان به چیزی بیهوده، کودکانه یا حتی مسخره محدود می شود. بر عکس، تضادهایی می تواند از ایمان ناشی شود، اگر ایمان به بهانه معنی دادن به هستی، تنها تأیید آن چه که خدا مکشوف کرده است را از علم انتظار داشته باشد. از این دیدگاه، هر تلاش علمی که به تأیید ایمان منجر نشود، بیهوده و اشتباه به نظر می رسد. علم اعتباری ندارد مگر در خدمت ایمان. در واقع علم و ایمان به هیچ وجه رقیب هم نیستند. «ایمان با دلیل تفاوت دارد، یکی انسانی است و دیگری عطای خداست» (پاسکال، کتاب تفکرات صفحه ی ۶۰۲).

۲- غنای متقابل

ایمان و علم می توانند در درجه ی اول تکیه گاه هم باشند و هر یک به موفقیت دیگری کمک کند. مثلاً شناختی عمیق از زبان های قدیمی، تاریخ و فرهنگ مشرق زمین، اجازه می دهد پیام کتاب مقدس را بهتر بفهمیم و از آن تعذیه کنیم. هم چنین علاقه ی پر شور یک طبیعی دان مسیحی برای برادرانش، انسان ها، می تواند مشوق تحقیقات او باشد و باعث سرعت اکتشافات بشود.

«علم می تواند ایمان را از اشتباه و خرافات پاک کند. ایمان می تواند علم را از بت پرستی و مطلق های دروغین بزدايد [...] هر کدام می توانند دیگری را به دنیایی وسیع تر ببرند (پاپ ژان - پل دوم).

به ویژه، هر دو با هم وظیفه دارند به انسان خدمت کنند. هر یک به طریق خود انسان را کمک می کنند تا به سوال بزرگ هستیش یعنی معنی زندگی جواب بدهد. دانشمند می گوید: «من می توانم این دستکاری ژنتیک را انجام دهم، ولی آیا باید بکنم؟ به چه عنوان؟» مسیحی می گوید: «معتقدم که این گدا که به سوی من دست دراز می کند،

فرزند خداست، ولی آیا باید به او چیزی بدهم؟ و چقدر؟ این برای او و برای من چه معنایی دارد؟» ایمان و عمل هر یک به نوع خود، انسان را هدایت می‌کند تا زندگیش را به دست بگیرد، تصمیم بگیرد و آرزایش را تجربه کند. شخص خواه مؤمن، خواه دانشمند یا خواه هر دو، هر کس در وجدان آزادش باید درباره زندگی خود تصمیم بگیرد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می‌کوشند . . .

هر تلاش برای بهتر دانستن، انسان را بزرگ می‌کند. « برای او راهی است برای مسلط شدن بر زمین » (پیدایش ۱:۲۸). مسیحیان دعوت شده‌اند نه تنها کار علم را تحقیر نکنند، بلکه با اشتیاق، به نسبت استعداد و علاقه و توانایی‌شان، به آن پردازند. به استناد همان ایمانشان باید کار علمی را کاری شریف و مهم برای ملکوت خدا بدانند. امروزه، همانند گذشته، دانشمندان بزرگی هستند که مسیحی‌اند.

با این همه، آن‌ها دعوت شده‌اند استقلال نسبی علم را محترم بشمارند و ایمان را در جریان طبیعی یک تجربه علمی دخالت ندهند که نتایج را دست کاری نکنند. روش علمی برای همه الزامی است و ایماندار با محترم داشتن دقیق آن، به اندازه یک غیر ایمان‌دار، احترام خود را نگه می‌دارد.

در عوض، هر بار که اکتشافات دانشمندان، عظمت و حرمت بشر، حفظ و زیبایی آفرینش را به مخاطره می‌اندازد، مسیحیان باید سوالات خود را به دانشمندان عرضه کنند. بدین ترتیب بعضی مسیحیان، در چهارچوب یک بیمارستان، یک منطقه یا یک ملت، به کمیته‌ی اخلاقی تعلق دارند. آن‌ها در این جا نقشی مهم به عهده دارند، بدون این که نظر خود را تحمیل کنند، از ایمان خود و امید خود، شهادت می‌دهند.

مسیحیان خصوصاً دعوت شده‌اند که در مقابل اکتشافات قابل ستایش علم، مثلاً در مقابل شکوه و عظمت یک ستاره که از ورای تلسکوپ دیده می‌شود یا در مقابل درمان‌های عجیب‌انگیز بیماری‌های سخت مثل جذام، خوشحال شوند. مسیحیان باید بدانند که آثار حقیقت، برای دوست داشتن و آشتی دادن حقیقت با محبت، آشتی دادن انسان‌ها و خدا، به وجود آمده‌اند.

این وظیفه‌ی مسیحیان است که تلاش علم را به سمت خدای پدر به صورت سپاسگزاری ارج نهند.

کلام ایمان

علم یکی از زیباترین فعالیت‌ها، در میان فعالیت‌های پیشنهادی به انسان است. ولی ما مطمئن هستیم که با وجود عظمتش، نمی‌تواند و هرگز نخواهد توانست همه‌ی مسائل را حل کند. معنای نهایی جهان و هستی انسانی، از دسترس علم خارج است. ما هم چنین مطمئن هستیم که تمایل به سوی خوبی یا بدی هر بشری مستلزم رفتاری روحانی است که از طرح علمی فراتر می‌رود. ما هم چنین فکر می‌کنیم که هیچ چیز در جستجوی حقایق علمی و در نتایجی که علم به همراه می‌آورد، مغایر با یک برداشت مسیحی بر این جهان نیست. علاوه بر این، شناخت ما از علم، اجازه می‌دهد تا عمق بعضی جنبه‌های مسائل روحانی را عمیق‌تر بشناسیم. علم که به ما دیدی هر چه وسیع‌تر از جهان می‌دهد، ما را به درک عمیق‌تری از راز مسیحی و امی دارد (اعلامیه اتحاد دانشمندان مسیحی). «شناخت علمی، جزء مهمی از آزاد شدن بشر است. این شناخت، اجازه می‌دهد، جواب‌های بهتری جهت مبارزه با ازدیاد جمعیت، هم چنین فقر و گرسنگی بیابیم؛ این شناخت، به همبستگی انسان‌ها، احترام بین انسان‌ها و حرمت آن‌ها، کمک می‌کند. این شناخت هم چنین در نوع خود از حقیقت جهان و انسان پرده بر می‌دارد و با مکاشفه‌ی الهی همراه می‌شود تا طرح الهی را در تاریخ، روشن سازد (مجمع مشاوری اسقفی حوزه‌ی کلیسای اوری).

- برای مطالعه و تعمق بیشتر :
- * کتاب پیدایش چه می گوید؟ باب اول.
 - * پاسخ به ۱۰۱ سؤال درباره ی کتاب مقدس .
 - * جواب مسیحی.

مجمع اسقفان واتیکان دوم :

«این شورای مقدس، با یادآوری تعالیم اولین مجمع شورای اسقفان واتیکان دو، اعلام می دارد که «دو نظم معرفت» وجود دارد که از یک دیگر مجزا می باشند، یعنی نظم ایمان و نظم منطق، و اینکه واقعا " کلیسا مخالف «استفاده از هنرها و علوم انسانی با اصول و روش های خاص در زمینه های مربوطه، نمی باشد»؛ بنابراین، «این حق آزادی را به رسمیت می شناسد» و استقلال برحق فرهنگ و مخصوصا " استقلال علوم را مورد تأکید قرار می دهد».

(مجمع واتیکان دو، کلیسا در دنیای امروز، شماره ۵۹ پاراگراف سوم)

تماشایی دیگر بر آفرینش (مزمور ۱۰۴)

ای جان من ، خداوند را متبارک بخوان :

خداوندا ای خدای من ، تو بسیار عظیمی

به شکوه و جلال آراسته

و ردایی از نور پوشیده ای!

از مکان های بلند خویش کوه ها را سیراب می کنی

و از برکت دست هایت ، زمین سیر می شود :

علف تازه را برای گله ها

و گیاهان را به منفعت انسان می رویانی :

تا از زمین نان خود را به دست آورد

و شراب که دل انسان را شاد سازد ،

روغن را که به چهره اش نور می بخشد ،

و نان ، که به آن قلبش قوی سازد .

درختان خداوند سیراب می شوند ،

سروهای آزاد لبنان که او کاشته است ؛

در آن جا گنجشک آشیانه می سازد

و لک لک در سرو مسکن می گزینند .

فراز کوه ها از آن بز کوهی است

و صخره ها پناه گاه موش های صحرائی